



سنگ گور هامر پورگشتال

ششمین کنگرهٔ ایرانشناسی اروپا، شهریور ۱۳۸۶ در آکادمی علوم شهر وین برگزار گردید. شرکت در این برنامه این توفیق را حاصل آورد تا به لطف خانم دکتر ژاله گوهری (ساکن وین) و همراهی خانمها دکتر هایده لاله و دکتر حمیده چوبک به گورستان ویدلینگ در شهر کلسترنوئیبورگ (Klosterneuburg bei Weidling) در دوازده کیلومتری وین، به دیدار مقبرهٔ خاورشناس برجسته، هامر پورگشتال برویم. آنچه در ادامه می‌آید گزارشی کوتاه از زندگی، آثار و مقبرهٔ این خاورشناس برجسته است. اطلاعات مربوط به چگونگی تهیهٔ سنگ گور هامر را مدیون خانم دکتر افسانه جلیل‌زاده هستیم.

ژوزف فون هامر پورگشتال

(Joseph Freiherr von Hammer - Purgstall)

(۱۷۷۴-۱۸۵۶)

دیپلمات و خاورشناس اتریشی که تکلم و نگارش زبانهای سه‌گانه اسلامی، عربی، ترکی، و به‌ویژه فارسی را به خوبی می‌دانست.

۱۷۷۴ تولد در نهم ژوئن در گراتس منطقه اشتایر اتریش.

۱۷۸۸ ورود به آکادمی شرقی وین و آموختن زبانهای شرقی (ترکی، عربی و فارسی) و مشارکت در انتشار فرهنگ مینسکی عربی-فارسی-ترکی.

۱۷۹۶ کار در وزارت خارجه به عنوان منشی.

۱۷۹۹ اعزام به استانبول به عنوان مترجم فرستادهٔ بارون هربرت.

۱۸۰۰ ماموریت مصر به عنوان مترجم و منشی در حمله‌ای که هتشنسون و سدنی اسمیث و یوسف پاشا علیه عبدالله منو فرمانده فرانسوی در مصر، برای طرد فرانسویها رهبری کرده بودند.

۱۸۰۱ بازگشت به وین و اعزام دوباره به استانبول در آگوست همان سال.

۱۸۰۶ مسئول کنسولگری در مولدلو.

۱۸۰۷ تا ۱۸۱۷ مستشار و مترجم دربار امپراتوری اتریش.

۱۸۳۵ گرفتن لقب هامر پورگشتال پس از انقراض خانوادهٔ کونتیسسه فون پورگشتال در منطقهٔ اشتایر مارکت.

۱۸۳۶ باقی ماندن در پست مترجم مستشار کاخ سلطنتی.

۱۸۴۷ تا ۱۸۴۹ ریاست آکادمی وین.

۱۸۵۶ مرگ در ۲۳ نوامبر در شهر وین.

هامر پورگشتال از سال ۱۸۰۱ تا سال ۱۸۱۸ مجلهٔ گنجینه‌های شرق (Fundgruben des Orients) را منتشر ساخت (وین، ۱۸۰۱-۱۸۱۸). در شش جلد این مجله ویژه تحقیقاتی دربارهٔ شرق و یا مربوط به شرق و یا تحقیقات و متون عربی و ترکی و فارسی بود. در حدود پنجاه دانشمند از کشورهای اروپایی در این مجله مطلب می‌نوشتند. اینان همانند هامر از آکادمی شرقی وین فارغ التحصیل شدند و به خاطر شغل مترجمی‌شان شناختی زنده از شرق داشتند. در مقالات این مجله ادبیات فارسی بیشترین جای را داشت. هامر علاوه بر آنکه در بیش از نیمی از تمامی شماره‌های این مجله دارای مقالاتی است در مجلات دیگر از جمله دوره‌های ادبی (Literatur Wiener Jahresbücher der) که آن نیز در وین منتشر می‌شد، می‌نوشت.

تألیفات او بیش از صد جلد است که فهرستی از آن در کتابش با عنوان خاطرات زندگی‌ام (۱۷۷۴-۱۸۵۲) آمده است. (در مجموعهٔ منابع مربوط به مسائل اتریش



گلشن راز تالیف شیخ محمود شبستری (پست، ۱۸۳۸).

ترجمه به زبان آلمانی

دیوان حافظ شیرازی (توبینگن، ۱۸۱۲) از این ترجمه، گوته توانست بیشتر سروده‌های دیوان شرقی از مؤلف غربی را الهام گیرد.
گزیده‌هایی از شعر متنی (۱۸۴۴).
قصاید غنایی باقی، شاعر ترک (۱۸۲۵).

نکته قابل توجه درباره سنگ گور هامر پورگشتال این است که این کتیبه سالها پیش از مرگ هامر و توسط خود او خریداری و طراحی شده است. از سوی دیگر به گفته هلموت سلابی در کتاب تاریخ روابط ایران و اتریش، سفارش ساخت این مقبره ارتباط نزدیکی با تاریخ روابط دیپلماسی دولت قاجار و امپراتوری اتریش - مجارستان دارد.



در سال ۱۸۱۹م، میرزا عبدالحسن خان به عنوان سفیر لندن و پاریس و میرزا عبدالحسین خان به عنوان سفیر ایران در اتریش، وارد این کشور شدند. در طول اقامت آنها در وین هامر پورگشتال آنها را در مقام مترجم همراهی کرد. همان‌طور که در آن زمان معمول بود، مترجم هم برای خدماتش هدیه‌ای دریافت می‌کرد. هامر پورگشتال از عبدالحسین خان یک انگشتر فیروزه، شمشیر و جعبه‌ای با دو شیشه روغن گل رز دریافت می‌کند.

عبدالحسن خان که تحت تاثیر بسیار استعداد هامر پورگشتال در آموختن زبانهای بیگانه قرار گرفته بود به او لقب «گل زنبق در ۱۰ زبان» (LiLie in 10 Sprachen)

Fontes rerum Austriacarum، بخش دوم، جلد شماره ۷۰، وین، ۱۹۴۰، عرضه شد).

او با این آثار، گنجینه‌های علمی و ادبی بسیاری را در مقابل اروپاییان گشود و خدمات برجسته‌ای به ادبیات شرقی عربی و فارسی و ترکی در اروپا کرد. گوته در کتاب دیوان شرقی از مؤلف غربی (قاهره ۱۹۶۷؛ چاپ ۳، بیروت، ۱۹۸۰) فضل و آگاهی او به ویژه نسبت به شاهکارهای ادب فارسی را ستوده است. برخی از آثار علمی او عبارت‌اند از:

تاریخ سیاسی

نظام حکومتی و اداری دولت در امپراتوری عثمانی (در دو جلد، وین، ۱۸۱۵).
فرازی درباره سفر از قسطنطنیه به بروسه (پست Pest، ۱۸۲۱).
قسطنطنیه و بسفور (در دو جلد، پست Pest، ۱۸۲۱).

تاریخ امپراتوری عثمانی (در دو جلد، پست، ۱۸۲۷-۳۱۸۳ چاپ دوم). این مهمترین تألیف او بود و تا امروز نیز ارزش زیادی دارد.
تاریخ حشاشین (اسماعیلیه)، (اشتوتگارت، توبینگن، ۱۸۱۸).

مجموعه تصاویر حکام مسلمان (در شش جلد، درمشتات، ۱۸۳۷-۱۸۳۹).
تاریخ اردوی زرین (مغول)، لپزیک (پست، ۱۸۴۰).
تاریخ ایلخانان (در دو جلد، درمشتات، ۱۸۴۳).
تاریخ خانان قرم (وین، ۱۸۵۶).

تاریخ ادبیات

تاریخ سخنوری در ایران (وین، ۱۸۱۸).
تاریخ شعر عثمانی (چهار جلد، پست Pest، ۱۸۳۶-۱۸۳۸).
تاریخ ادبیات عربی (هفت بخش، وین، ۱۸۵۰-۱۸۵۷).

تحقیق متون

گل و بلبل، تألیف فصلی (لپزیک و پست، ۱۸۳۴).
اطواق الذهب زمخشری (وین، ۱۸۳۵).



بگذر ای دوست تا به وقت بهار
سبزه بینی دمیده از گل من

[ابیات ترکی]:

زیارتدن مرادا بحق دعا
بوکون بسا ایسیه یارن سکادر؟

*

بر خوش بلبل گلدی جهانیه
اوجدی آخرته چو پروانه
مقبره همسر او Karoline von Henikstein نیز در همین
گور است.

خدایش رحمت کناد
عمادالدین شیخ الحکمایی

منابع:

- فرهنگ کامل خاورشناسان، عبدالرحمن بدوی، ترجمه شکرالله
خاکرند، دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم، ۱۳۷۵، ص ۴۴۸.
- J. Fuck, *Die arabischen Studien in Europa*, S.
158-166.
- Schlottmann, *Joseph von Hammer-Purgstall*,
Zurich, 1857.
- *Brockhaus Conversationslexikon*, s.v, Bd. VIII,
Leipzig, 1902.
- Helmut Slaby, *Bindenschild und Sonnenlöwe*.
- *Die Geschichte der österreichisch-iranischen
Beziehungen bis zur Gegenwart*, Graz 1982.

می دهد و یک اسب عربی گران قیمت به هامر پیشکش
می کند. پورگشتال اسب را به قیمتی خوب می فروشد
و با پولش مقبره خود را سفارش می دهد. این موضوع
۶۳ سال پیش از مرگ او اتفاق می افتد. وی هر چند گاه
یکبار به دیدن این سنگ قبر می رفت و آن را با دقت
نظاره می کرد.

این سنگ از جنس گرانیت سفید و به شیوه عثمانی
ساخته شده است، نوشته های روی سنگ به ده زبان
مختلف است. نوشته های فارسی عربی و ترکی مقبره
چنین است:

هو الحی
المرحوم المغفور
المحتاج الی رحمة
ربه العفو الغفور
متزخم الالسنه الثلاثه
یوسف بن حامر
لروحه ذکر جمیل.

[ابیات سعدی]:

در اقصای عالم بگشتم بسی
به سر بردم ایام با هر کسی
تمتع ز هر گوشه ای یافتم
ز هر خرمنی خوشه ای یافتم
وه که هر گه که سبزه و بستان
بدمیدی چه خوش شدی دل من

کارهای در دست چاپ (فاکسیمیله)

- تحریر اصول اقلیدس، قطب الدین شیرازی، احمد رضا رحیمی ریس.
- علی نامه، از شاعری ناشناخته (تخلص ربیع)، با مقدمه محمد رضا شفیع کدکنی، ابوالفضل غلامی، رضا بیات.
- نهج البلاغه، سید رضی، محمد برکت، سید مهدی جعفری.



گزاش میراث